



**شرکت فنی مهندسی
پتروپویان جنوب**

تولید کننده ابزار درون چاهی نفت و گاز مبتنی بر شوک امواج التراسونیک

انجام عملیات و خدمات درون چاهی رانش ابزار فراموت به درون چاههای نفت و گاز (services company)

گزارش نمودار زمانه و پهنای لایه

مراقبت مستمر رانش ابزار در طول زمان

تعمیرات و نگهداری خطوط انتقال نفت

تعمیرات و نگهداری خطوط انتقال گاز

تعمیرات و نگهداری خطوط انتقال آب

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۶۰، صندوق پستی: ۱۹۱۳۳۳۳۳۳۳
www.Petrogas.com
07136330172

”

در همان جلسه به او گفتم اگر من هندی بودم اگر من چینی بودم اگر من افغانی بودم جرأت می کردی، گفتم مشکلاتان می دانی چیه من گراوات قرمز نردم بیایم اینجا بشیخه و گرنه هتل برایم می گرفتید ماشین می فرستادید دنبالم نه اینکه ساعت ۱۱ شب به من زنگ بزنید بگویند ۸ صبح اهواز باش من هم اهواز باشم و بیایید این طوری با من حرف بزنید دقیقاً آنها را گفتم.

سمت پیت و یعنی اینطوری بهتان بگویم نفت از بالا داشت می زد بیرون از این طرف می ریخت اصلاً یک داستان وحشتناکی شده بود، گفت آقا بیایم بیرون چند متر رفتی پایین گفت ۱۳۰ متر گفت، بیابالا، فقط بیابالا. نفت را دادند به پیت و ما هم ابزار را کشیدیم بالا و گفتیم خب همین دیگر قرار بود یک دو متر اصلاً ما پرمیت باز کردن چاه نداریم اصلاً فکر نمی کردیم به این مرحله برسد. آقا شوتی رفتیم اهواز، رفتیم اهواز و گفتیم آقا تأییدیه که گفتی یک متر، گفتی یک متر دیگر؟ من الان ۱۳ متر رفتم پایین بده من! گفت نگاه این تأییدیه درست اگر من الان این تأییدیه را بیایم بهت بدهم به تومی گویند برو دستورالعمل اجرایی بیاور برای دستورالعمل اجرایی آوردن به من می گویند خب اگر ابزار کار کرد چرا چاه نیامده در سرویس؟ حالا این ۱۰۰ متر کار کرده از کجا معلوم ۴۸۰ متر هم کار کند و فلان. گفت آقا تو که ابزارت آماده است تجهیزات آماده است برو سر چاه، دیگر سر این چاهی که این سری داشتیم می رفتیم برای چاهی می رفتیم که می خواستیم تولیدی اش کنیم، تجهیزات سرویس می کردیم با وحشتناک ترین شرایط کاری، نه پول داشتیم که بخواهیم نیرو بگیریم نه پول داشتیم که بخواهیم تجهیز بخریم.

رویش و تجهیز بستیم و ریگاب کردیم و رفتیم پایین. فرض کنید صفر بودیم هنوز دیگر این اینجا ایستاده بود کابل نمونه دار گیری که به آن وصل بود خب هنوز همه زور ابزار روی این رسوب بود دیگر، لی انداخته بود کف زمین اینطوری گفت مادر اسکید خودمان نشسته بودیم داشتیم کار می کردیم آنها هم رفتند در کانکس خودشان و آقا چهارتا بچه آمدند اینجا می خواهند برای ما یک کار نفتی انجام بدهند یک لحظه آقای مظفری گفت که رضا رفت پایین، خودمان باورمان نمی شد که رفته پایین، رسوب را رد کرد رفت پایین، آقا آمدند دیدند نه واقعا رفت پایین. دوباره رفتند داخل کانکس ها ببینند چه کار می کنند و قطعاً مثلاً چون آنجا موبایل هم نداشتی یکی پرید در ماشین که بدو برویم زنگ بزنیم بگویم رفته پایین، تا اینها ما را ول مان کرده بودند گفتیم آقا بنده خدا الفشین نامی هم داشت کار می کرد گفت مهندس برو پایین تا هر چی می تواند برو پایین برو پایین ببینیم چی می شود. آقا رفتیم و حدود ۷۰،۶۰ متری دوباره رسیدیم به رسوب و شروع کردیم به رسوب زدن و این چیزها، حالا مثلاً در چند ساعت در مثلاً ۴،۳ ساعت آن هم زدیم و رفتیم پایین تر، رفتیم همین طور پایین تر دیگر تقریباً ۱۲،۱۳ متری اصلاً یک بچ نفت آزاد شد و آمد بالا و رفت